



Rational and Mystical Aspects of Prayer from the View of Hāj Mollā Sazevāri Based on *Asrār ol-Hekam*

HajaarTajik^{ID}

Department of Islamic Studies, Farhangian University, Tehran,
Iran. tajik_hajar@yahoo.com

Abstract

The purpose of the present study is to review rational and mystical aspects of prayer from the view of Hāj Mollā Sazevāri Based on *Asrār ol-Hekam*. The research method is descriptive-analytic and the results indicated that Hakim Sabzevāri's unique outlook on mystical, rational, and jurisprudential journey of prayer makes those who pray be in a spiritual and mystical journey and reach rapture and recitation of the divine beloved who is the purpose of creation during each section of their prayers including its introduction and pillars. Afterwards, prayers will achieve a different perception of imitation such that they perform this virtue enthusiastically and passionately every time. Therefore, stating the secrets of *Asrār ol-Hekam* can open the way for humans in the current century to bond with prayer. In some cases, Sabzevāri's mystical and philosophical approach to explaining jurisprudential rules of prayer has encountered challenges of confusion and incompatibility.

Keywords: Prayer, Hāj Mollā Sazevāri, *Asrār ol-Hekam*, Mysticism, Ration.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

Received: 2023/06/28; **Received in revised form:** 2023/07/18; **Accepted:** 2023/07/23; **Published online:** 2023/07/24

How To Cite: Tajik, H. (2023). Rational and Mystical Aspects of Prayer from the View of Hāj Mollā Sazevāri Based on *Asrār ol-Hekam*. *Research Quarterly of Islamic Education and Training*, 4(3), 71-90.

<https://doi.org/10.22034/riet.2023.14778.1196>

Publisher: Farhangian university


© the authors

<http://tarbiatmaaref.cfu.ac.ir/>

Article type: Research



ابعاد عقلی و عرفانی نماز از منظر حاج ملاهادی سبزواری با تکیه بر کتاب «اسرار الحکم»

هاجر تاجیک 

گروه معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. tajik_hajar@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی ابعاد عقلی و عرفانی نماز از منظر حاج ملاهادی سبزواری با تکیه بر کتاب «اسرار الحکم» بود. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج نشان داد که نگاه بی‌بدیل حکیم سبزواری در تبیین سلوک عرفانی، عقلی و فقهی نماز موجب می‌شود نمازگزار بتواند در هر یک از اجزاء نماز، اعم از مقدمات، مقارنات یا ارکان نماز، در سلوک معنوی و سیر عرفانی، به حالت جذب و ذکر به سوی محبوب سرمدی که هدف آفرینش موجودات است، برسد. بعد از این اتفاق نمازگزار درکی متفاوت از تقلید را تجربه می‌کند، به گونه‌ای که هر لحظه با شوق و نشاط، به انجام این فریضه می‌پردازد. لذا بیان اسرار موجود در اسرار الحکم می‌تواند راهگشای انسان قرن حاضر برای انس با نماز باشد. در پاره‌ای از موارد، رویکرد عرفانی و فلسفی سبزواری در شرح و تبیین احکام فقهی نماز، با چالش‌های ابهام و ناسازگاری مواجه شده است.

کلیدواژه‌ها: نماز، ملاهادی سبزواری، کتاب «اسرار الحکم»، عرفان، عقل.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۷؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۴/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۰۱؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۰۵/۰۲
استناد به این مقاله: تاجیک، هاجر (۱۴۰۲). ابعاد عقلی و عرفانی نماز از منظر حاج ملاهادی سبزواری با تکیه بر کتاب «اسرار الحکم». پژوهش در

آموزش معارف و تربیت اسلامی، ۴(۳)، ص ۷۱-۹۰. 1196.14778.riet.2023.10.22034/doi.org/https://

© the authors

http://tarbiatmaaref.cfu.ac.ir

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: دانشگاه فرهنگیان



۱. مقدمه

التفات به جنبه‌های باطنی تعالیم اسلامی، یکی از ویژگی‌های برجسته سنت فلسفی- عرفانی مسلمانان در طول تاریخ بوده است. بسیاری از فیلسوفان و عارفان مسلمان، ضمن تأکید بر اجرای اعمال، مناسک و شعائر دینی، التفات به ابعاد باطنی آن را شرط لازم اثرگذاری معنوی و ارتقای اخلاقی و ایمانی فرد مسلمان به شمار آورده‌اند. در این میان، نماز به مثابه مهم‌ترین و برجسته‌ترین فریضه اسلامی که از آن با تعبیری نظری «ستون دین» و «معراج مؤمن» یاد شده است (مجلسی، بی‌تا، ج ۵۷، ص ۲۹)؛ از تیررس نگاه تأویلی و باطنی فیلسوفان و عارفان مسلمان بی‌نصیب نبوده است؛ چنانکه بسیاری از عارفان و فیلسوفان در آثاری مجزا و به نحو ضمنی در خلال آثار عمومی خود به شرح و توضیح ابعاد باطنی آن پرداخته‌اند. نگارش آثار متعددی در حوزه فلسفه و عرفان اسلامی با عناوینی نظیر «سر الصلوة»، «آداب الصلوة» و «اسرار الصلوة»، شاهد این ادعا است. «فتوحات مکیه» (باب ۶۸ و ۶۹) محی‌الدین ابن عربی عارف قرن پنجم، «مجموعه رسائل و مصنفات» (نامه به علاءالدوله سمنانی) از عبدالرزاق کاشانی سده هفتم و «رسائل عرفانی و فلسفی حکیم قاینی» (مقاله فی اسرار العبادات) از حکمای مشاء قرن ده و یازده، نمونه‌هایی از این آثار است.

در میان آثاری که در سنت فلسفه اسلامی به بررسی جنبه‌های باطنی فرایض و مناسک اسلامی، به ویژه نماز پرداخته، کتاب «اسرار الحکم» اثر ملاهادی سبزواری، از جمله شارحان نام‌آور حکمت متعالیه، از برجستگی و شهرت ویژه‌ای برخوردار است. سبزواری در این اثر، نخست در بخش «حکمت علمیه» به شرح و توضیح مبانی دیانت اسلام در سه حوزه توحید، معاد و نبوت می‌پردازد و با آوردن ادله‌ای برای اثبات امامت حضرت مهدی (عج) این بخش را به پایان برده است. در بخش دوم با عنوان «حکمت عملیه»، ضمن اشاره به نظرگاه فقهی خود در باب مسائل مرتبط با طهارت، صلوة، زکات و صیام، مبتنی بر مبانی فلسفی و عرفانی مقبول خویش، به تبیین ابعاد و معانی باطنی احکام عملیه مرتبط با عناوین پیش گفته، به ویژه نماز می‌پردازد.

در نوشتار پیش‌رو برخی از استدلال‌ها و اسرار حاجی سبزواری پیرامون نماز، از حیث آثار آموزشی و تربیتی آن، جهت انس بیشتر انسان قرن حاضر با این فریضه مهم، محل بحث و تأمل قرار گرفته است.

۲. پیشینه پژوهش

در اغلب آثار یا مقالاتی که متأخرین به بررسی نماز اختصاص دادند، معمولاً نگاه فقهی، فلسفی یا عرفانی دارند. به عنوان نمونه می‌توان به مقاله «غُلْغُلِ اجزای عالم بشنوید (تحلیل عارفانه نماز از دید مولوی)» از رادمش (۱۳۸۹)، کتاب «فلسفه نماز» اثر محمدی (۱۳۹۵)، و کتاب «اسرار عرفانی نماز»

اثر دلیر^۱ (۱۴۰۲) اشاره کرد. این در حالی است که سبزواری با مباحث فقهی، عقلی و مکاشفات عرفانی موجب درک صورت ملکوتی نماز می‌شود و بدین ترتیب می‌تواند، حجاب‌های عقلی و عرفانی را از مقابل نمازگزار بزداید و موجب شود نمازگزار با صورت ملکوتی نمازش عینیت یابد. در بررسی‌های انجام شده، پژوهشی که جنبه‌های مختلف نماز را از نگاه حکیم سبزواری و اثر ارزشمند «اسرارالحکم» پی‌گرفته باشد، یافت نشد و پژوهش پیش‌رو از این حیث نوآورانه و متفاوت است.

۳. سؤالات پژوهش

- ۱) منظومه فکری حکیم سبزواری در تبیین نماز چگونه است؟
- ۲) استدلال‌های حکیم سبزواری در بیان وجوب نماز با تکیه بر کتاب اسرارالحکم چیست و چه اثر تربیتی و آموزشی دارد؟
- ۳) اسرار نماز از نگاه حکیم سبزواری در اثر ارزشمند اسرارالحکم چیست و چه اثر تربیتی و آموزشی دارد؟

۴. اهمیت و ضرورت پژوهش

با نظر به نقش برجسته آثار متقدمین در تربیت، آموزش و اعتلای نماز که مورد اتفاق پژوهشگران است. در نتیجه، بررسی نگاه فقهی، فلسفی و عرفانی نماز از نگاه حکیم سبزواری با تکیه بر اثر ارزشمند اسرارالحکم، موضوعی درخور توجه و اهمیت به‌شمار می‌آید. بنابراین، نوشتار پیش‌رو با هدف آثار تربیتی و آموزشی نماز از نگاه حکیم سبزواری در حوزه تعلیم و تربیت به رشته تحریر درآمده است.

۵. منظومه فکری حکیم سبزواری

سبزواری معتقد است که هر یک از عبادات و اجزاء آن منظومه کاملی هستند که می‌توانند در سلوک معنوی و سیر عرفانی انسان، او را به حالت جذبه و ذکر به سوی محبوب سرمدی که هدف آفرینش موجودات است، رهنمون کنند. مبنای این اندیشه آن است که برای نفس در ذات خود، گوش، چشم، شامه، ذائقه، لامسه و قوایی قائل است، که به واسطه همان قوای مدرکه نفسانیه، انسان در حال خواب و مکاشفات عرفانی، به ادراک نائل می‌شود. حاجی سبزواری نماز را مصداق هیکل توحید^۲ انسان، سواد

۱. اسرار عرفانی نماز، بهرام دلیر (۱۴۰۲)، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی: تهران.
 ۲. این اصطلاح را سبزواری، از صدرای شیرازی که در کتب «سه رسائل فلسفی» (ملاصدرا، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۴۶) و «شرح بر زاد المسافر» (آشتیانی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳۲۴) ذکر کرده، هفت مرتبه به عاریت گرفته است؛ و در اسرارالحکم بیست و هفت مرتبه، تکرار کرده و بر اثبات آن از عقل، عرفان و قرآن کمک گرفته و آیات بسیاری بر آن سروده است.

اعظم و صورت مناسبی انسان کامل می‌داند که نقشه سلوکی او را به نحو جامع به نمایش می‌گذارد (سبزواری، ۱۳۸۳، ص ۵۸۵). به نظر حاجی، نماز صورتی دارد که از افهام و عقول بالاتر است. به همین دلیل حکیم سبزواری با استمداد از استدلال‌های عقلی در بخش اول اسرارالحکم بر معرفت نمازگزار می‌افزاید و با تکمیل عقل فلسفی که ودیعه الهی است، به نمازگزار کمک می‌کند تا با مکاشفات عرفانی، رموز نماز را نیز درک کند. فهم مباحث عقلی و مکاشفات عرفانی سبزواری موجب زدودن حجاب از اندیشه و قلب نمازگزار می‌شود و به لحاظ استعداد و معرفت در هر جزئی از این فریضه می‌تواند با صورت ملکوتی نمازش عینیت یابد و از لذایذ بی‌مثال دنیوی و اخروی آن بهره‌مند گردد، و در دنیای مادی، قبل از سفر اخروی با صورت ملکوتی زیبایش انس گیرد.

اکثر مردم آنگاه که دائم درصدد رعایت تجوید الفاظ نماز هستند، مشغول قرائت صلوة ادبی و آنگاه که پیوسته در پی معانی و مفاهیم الفاظ نمازند، مشغول صلوة منطقی هستند. به نظر حاجی سبزواری نمازگزار فلسفی می‌تواند از الفاظ و مفاهیم به حقیقت آن بار یابد (همان، ص ۸۲).

در نگاه عرفانی سبزواری، «صلوة» مشعر به وصل است، و عارف از روی «شوق» و «نشاط»، به نماز می‌ایستد. نمازگزار عارف، این فریضه را ذکر دوست و حضور در محضر او می‌داند؛ لذا هر لحظه به اقامه نماز رغبت دارد.

مباحث عقلی و مکاشفات عرفانی سبزواری موجب درک صورت ملکوتی نماز می‌شود و با هریک از مقدمات، ارکان و مقارنات نماز یکی از حجاب‌های عقلی و عرفانی از مقابل نمازگزار زدوده می‌شود و نمازگزار با صورت ملکوتی نمازش عینیت می‌یابد.

۶. استدلال‌های حکیم سبزواری

ملاهادی سبزواری حکیمی متأله با ذوق عرفانی و ادبی در عین حال مسلط به قرآن کریم، سنت و سیره معصومین(ع) است؛ لذا در بیان اسرار نماز، از حکمت، عرفان، قرآن و احادیث مدد گرفته است. نویسنده اسرار الحکم، در بیان اسرار نماز، از اصطلاحات فلسفی ثابت شده در سایر آثار خویش استفاده کرده است و آن دسته از استدلال‌های نقلی که مبنای عقلی دارند را با روش تفسیری و ذوق عرفانی آمیخته است.

بنابراین، نگارنده، روش عرفانی، تفسیری و نقلی ایشان را با تحلیل‌های عقلی در سایر آثارش مطابقت داده است.

سبزواری در ادامه مطالب خویش، با اشاره به براهین عقلی و نقلی دلایل وجوب نماز را بیان

می‌کند:

الف) برهان لطف^۱

صغرای برهان: هر لطفی موجب تحصیل غرض خداوند (اطاعت) است.

کبرای برهان: هر چه موجب تحصیل غرض خداوند است، واجب است.

نتیجه اینکه، هر لطفی بر خداوند واجب است.

لذا تکلیف به نماز «لطف» و بر خدا واجب است. سرّ این مطلب آن است که میان اقامه نماز و نمازگزار آثاری بی‌شمار مترتب است؛ موهبت‌هایی بی‌نظیر نصیب انسان می‌شود که بخشی از آن در بیان حاجی سبزواری آمده است. بنابراین، اگر اقامه آن بر انسان واجب نمی‌شد، یا این فریضه تکریر نمی‌گشت، انسان کامل تحقق نمی‌یافت.^۲

ب) دوری از گناه

سبزواری برای این مطلب از دلیل نقلی آشنا برای هر مسلمانی مدد می‌گیرد؛ آنجا که خداوند متعال درباره فلسفه تشریح نماز فرمود: «اقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (عنکبوت، ۴۵). از آنجا که مصلحت تشریح نماز دائمی و عمومی است، می‌تواند از ارتکاب معاصی و گناهان جلوگیری کند. بنابراین، وجوب آن به ملت و جامعه خاصی اختصاص ندارد و در جمیع ازمنه، بر همه واجب بوده است. از این رو، هیچ پیامبری مبعوث نشد، مگر اینکه نماز در رأس برنامه‌های وی قرار داشت (شمس، اشرفی و آهنگر، ۱۳۸۱، ص ۲۸۲). «در همه احوال، مطلقاً ضرورت نماز ساقط نیست و طیب نفوس، در شریعت، بیماری انهماک در شواغل دنیوی^۳ را با نماز مداوا فرموده، و به تکریر^۴ امر فرموده، چون عوامل غفلت متتالیه و حجب موارد در تابع و تراجع‌اند»^۵ (سبزواری، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۵۸۸).

۱. لطف در اصطلاح دو گونه است: محصل و مقرب، لطف محصل آن بوده که تحصیل اصل تکلیف منوط به آن است؛ آنچه در برهان لطف محل بحث است، لطف مقرب است که مکلف را به طاعت خدا نزدیک می‌کند (علم الهدی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۸۶).
۲. متکلمین نیز با استناد به آیه «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ» (هود، ۱۶)، مطلبی مشابه حکیم سبزواری مطرح کرده‌اند (شعرانی، بی تا، ص ۴۶۰).
۳. معنای غرق شدن و گم شدن در امور دنیوی و مشکلات مادی و زندگی روزمره است. این امور می‌توانند به طور مستمر نفس انسان را مشغول کنند و او را از امور معنوی و دینی دور کنند.
۴. اشاره به تکرار در این جمله به اهمیت و تکرار عبادات در اسلام اشاره دارد. تکرار عبادات مثل نماز و ذکر، می‌تواند به تثبیت ارتباط انسان با خداوند و تطهیر نفس از آثار گناهان کمک کند.
۵. انسان‌ها به دلیل عدم توجه به امور معنوی، اشتغالات دنیوی پی‌درپی و مشغولیت‌های روزمره، ممکن است از تربیت و تهذیب نفس و پیشرفت در امور معنوی و روحی بی‌خبر شوند.

از آنجا که عبادت تشریحی مشروط به استشعار و اختیار است، برخی از انسان‌ها از آن برائت می‌جویند؛ اما اطاعت و عبادت تکوینی با عصیان تشریحی منافات ندارد، اولی، اکتسابی و دومی، ذاتی است (آشتیانی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۴۳۱). لذا در تارک نماز، اجتماع نقیضین حاصل نمی‌شود.

ج) کامل‌ترین عبادت

در مدخل بحث نماز، سبزواری از حدیث مشهور نبوی که نماز را عمود دین و شرط پذیرش سایر اعمال مؤمن، نظیر نیکی به دیگران، صدقه و ... استفاذه می‌کند، که اعتقاد دارد که این سخن، بیانگر میزان اهمیت نماز است: «ان قبلت، قبل ما سواها و ان ردت ردّ ما سواها»^۱ (حرّعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۱، ص ۸۷)^۲ و در ادامه به روایت دیگری از امام صادق(ع) می‌پردازد که فرمودند: «ما اعلم شیئا بعد المعرفة افضل من هذه الصلاة الا ترى الى العبد الصالح عيسى بن مريم عليه السلام قال: «وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا» (مریم، ۳۱؛ همان). امام صادق(ع) با استدلال به آیه فوق، نماز را افضل می‌داند و برای سبزواری چه استدلالی جامع‌تر از آن که قرآن و روایت، نماز را کامل‌ترین طاعت معرفی کند.

سبزواری بر این عقیده است که میان اعتقاد و عمل رابطه تنگاتنگ وجود دارد، به گونه‌ای که هرچه اعتقاد و ایمان عمیق‌تر باشد، عمل نیک فزونی می‌یابد. به همین دلیل در تنظیم ابواب اسرار الحکم ابتدا حکمت علمیه را بیان کرده و در بخش دوم، حکمت عملیه یا اسرار عبادات را بیان می‌کند. بنابراین، گرچه سبزواری در مدخل بحث از دلیل نقلی بهره می‌برد، اما در ادامه، تحلیل عقلی بر آن اقامه می‌کند.

د) وحدت جمعیه نماز

وحدت جمعیه^۳ از اصطلاحات منحصر به فرد حکیم سبزواری در اسرار الحکم بوده و برای ورود به بیان استدلال‌ها و اسرار نماز از آن بهره برده است. از منظر سبزواری مثل نماز، مثل وحدت صیصیه انسانی^۴

۱. و تخصیص الصلاة بالذكر لانها عمود الدين ان قبلت قبل ما سواها، أو لان سائر الفرائض الضرورية مندرجة فيها (مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۱۲، ص ۴۱۷).

۲. لازم به ذکر است، عین عبارت در کتاب موجود نبود، ولی عبارت مشابه وجود داشت که عبارت است از: «الصلاة عمود الدين مثلها كمثل عمود القساطط إذا ثبت العمود ثبت الأوتاد والأطناب وإذا مال العمود وانكسر لم يثبت وتد ولا طناب» (حرّعاملی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۲۷).

۳. «انسان»، هیکل توحید و وجود جامع است؛ همه اطوار از جمادی تا فانی الله را دارد (سبزواری، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۰۹).

۴. هیکل انسانی.

است که همان «امّ القری» و «سواد اعظم»^۱ می‌نامد (سبزواری، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۴۹۶). دیدگاه فلسفی وی در مورد وحدت نفس ناطقه انسان، حاصل تحقیقات بی‌شمار اوست (همان، ج ۳، ص ۳۱۶). سبزواری در ذیل یک تحقیق عرشی انسان را «فرا ملک» می‌داند. استدلال سبزواری آن است که «انسان حقیقی»، سیاح کاملی را مانند که همه بلاد را به تفصیل دیده باشد، در حالی که «ملک» تنها يك سواد اعظم را دیده است. دلیل نقلی حاجی آن است که منابع حدیثی در توصیف فرشته‌ها چنین آمده است: «منهم سجّد لا یرکعون و منهم رُکّع لا یسجدون»^۲ (همان، ج ۲، ص ۵۰۴). با وحدت جمعیه‌ای که حکیم سبزواری ترسیم می‌کند، نمازگزار می‌تواند با فعلیت عقل نظری و عقل عملی، مظهر «علم» و «قدرت» و نائل به ذو الریاستین و فایز بالحسنین بشود (همان، ج ۱، ص ۳۶).

سبزواری در بیانی دیگر، «انسان کامل»^۳ را به منزله آینه برای اسماء و صفات حق می‌داند (همان). مقصود حاجی از اینکه نماز را مصداق هیکل توحید انسان و سواد اعظم می‌داند این است؛ اگر این فریضه حاصل معرفت و عقل نظری نمازگزار باشد، صورت مناسکی انسان کامل و نقشه سلوکی او را به نحو جامع به نمایش می‌گذارد.^۴

طاعت به صور متفاوتی چون قیام، رکوع، سجود، قرائت، ذکر، دعا، عبادت قلبی، قلبی، وجودی و عدمی تحقق می‌یابد؛ آنگاه نمازگزار تمام صور پیش گفته را که مشتمل بر فنون طاعات است، هنگام نماز به منصفه ظهور می‌رساند. نماز بهترین برنامه و دستور برای ارتباط بنده با خدای مهربان خود است و از

۱. قال الشيخ العارف الكامل اللاهيجي «قده» مراد فناء فی الله است و آنچه فرموده‌اند، که سالک سواد اعظم است؛ زیرا که سواد اعظم آن است که هرچه خواهند در او یابند و هرچه در تمامیت در مراتب موجودات مفصل است در این مرتبه مجمل است؛ کالشجرة فی النواة و مجموع عوالم تفصیل این مرتبه‌اند و هیچ شینی بیرون از این مرتبه نیست. در این مقام، هستی مطلق در نیستی مطلق نموده می‌شود. این مرتبه غیر از انسان کامل هیچ چیز دیگر را میسر نیست و از این جهت است که انسان کامل اکمل از جمیع موجودات می‌شود و سبب ایجاد عالم شده است؛ صاحب مناقب الطاهرین، رسول اکرم (ص) را مصداق سواد اعظم معرفی می‌کند (طبری، ۱۳۷۹، ج ۲)؛ از رسول اکرم (ص) پرسیدند که سواد اعظم کدام است؟ گفت اهل حق‌اند (علم الهدی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۳۷۹).

۲. در «بحار الانوار»، به صورت «منهم سجود لا یرکعون» آمده است (ج ۵۷، ص ۱۷۷).

۳. انسان کامل، به کمالات ذاتی و معنوی خود نائل گردیده و به حداکثر توانایی‌هایش در جهت تطهیر روحی و رشد اخلاقی و معنوی دست یافته است.

۴. به همین مناسبت سبزواری بخش اول «اسرار الحکم»، را به حکمت نظری و بخش دوم آن را، به حکمت عملی و عمدتاً «دین پژوهی» و غور و تأمل در «اسرار عبادات» اختصاص داده است.

اعمال و حالات انسان چیزی که به اندازه نماز لذت بخش و انبساط آور و روح پرور باشد، نیست. البته به شرط آنکه نمازگزار، مراحل سیر و فنون طاعت نماز را درک کرده باشد. از این روی، رسول اکرم (ص) نماز را معراج مؤمن نامید. نماز نمونه‌ای از سیر بنده به سوی پروردگار متعال است و شخص سالک پیوسته و در همه حال در حال ارتباط است (جعفر بن محمد، بی تا، ص ۵۴-۵۵). سبزواری معتقد است، با درک این مرتبه از نماز، نمازگزار از صورت ملکوتی صلاتش حظّ بیشتری می‌برد؛ زیرا با ذکر دوست و حضور به محضر او، از روی «شوق» و «نشاط» به نماز می‌ایستد، چنانکه اگر برای اوقات فریضه امر نمی‌کردند، هر آینه به طوع قلب^۱ برای انجام آن رغبت داشت (سبزواری، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۵۸۵). درک معنای وحدت جمعیه که سبزواری ترسیم می‌کند، برای نمازگزار ارمغانی ارزشمند دارد؛ چنانکه هنگام ادای فریضه، با شوق برای حضور و گفتگویی عارفانه و عاشقانه آماده می‌شود و نمازش، او را واصل می‌کند. وحدت جمعیه‌ای که حاجی بر استدلال و ترسیم آن اصرار می‌ورزد، تحلیلی نوین از تقلید است، که هر انسانی بدان نیاز دارد.

ه) نماز عبادت جامعه

حاجی سبزواری برای اثبات چنین مدعایی از جنبه‌های تکوینی و تکلیفی نماز مدد می‌گیرد.

۱. **عبادت تکوینی:** در نماز تکوینی کلیه موجودات شریک اند؛ اما هر یک با شیوه‌ای خاص به آن قیام می‌کنند (همان، ص ۴۹۷). استدلالی که می‌توان برای این مطلب اقامه کرد آن است، که انقیاد هر دانی و سافل نسبت به عالی، و خضوع ناقص نسبت به کامل، امری فطری است و قوام ذاتی حقایق وجودی، به وجود مطلق؛ همان عبادت تکوینی انقیاد و اطاعت فطری است؛ که در آن عصیان و تمرد و سرکشی، راه ندارد. هر ناقصی عاشق کامل، هر محاطی مقهور محیط و هر دانی مطیع عالی است. ماده و هیولای اولی نسبت به صورت مقوم آن، صورت نسبت به اصل طبیعت، طبایع و قوای مادی، نسبت به نفس و نفوس نسبت به عقول خاضع اند. از آنجایی که موجود حقیقی، خیر محض و کامل مطلق، خداوند است؛ جمیع حقایق عشاق حق اند و به جمیع السنه حق را تسبیح، تمجید، تهلل و تقدیس می‌نمایند. تسبیح، تحمید و تقدیس موجودات نسبت به حق مطلق، دو تجلی دارد. در مقام تجلی اول، منبعث از حمد، تقدیس و تسبیح موجودات است و در مقام تجلی ثانی، این حق است که خود را می‌ستاید (فیض کاشانی، ۱۳۷۵، ص ۹۱).

۱. فرمان برداری قلبی

سبزواری می‌گوید: بدان که هر موجود حرکت جبلی به سوی حق تعالی و عبادت تکوینی دارد (سبزواری، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۴۳۶).^۱ از منظر فلسفی، منظور از صورت صور جسمیه، نوعیه و شخصیّه است که همگی جوهر بوده‌اند و با عقل ادراک می‌شوند (همو، ج ۳، ص ۱۳۷-۱۷۴). در حالی که شکل، از سنخ عرض و کمیت است. آنچه حواس بشر حقیقتاً به آن می‌رسد، تنها قسمی از اعراض، یعنی کیف است؛ آن هم نه تمام انواع کیف، بلکه فقط کیف محسوس؛ مثل رنگ، مزه، نرمی و سفتی، گرمی و سردی، بو، صدا و... . سایر اعراض مثل کمیت نیز حقیقتاً با عقل ادراک می‌شوند؛ مثلاً سنگینی را حس ادراک نمی‌کند، بلکه عقل ادراک می‌کند. از این روی است که انسان جز از طریق عقل و عرفان از درک تسبیح تکوینی ناتوان است. حاجی سبزواری که از حکمت نظری عبور کرده و به شهود حاصل از عقل نایل گردیده است، می‌تواند قبول صور مواد را شهود و آن را دالّ بر نماز تکوینی مواد معرفی نماید.

حاجی در ادامه عبادت ماهیات را با قبول وجودات، تمثیل می‌کند. و در توضیح، وجود منبسط را، کلمه «کن» تفسیر می‌کند و ماهیات را به امر «یکون»،^۲ بدون هیچ مخالفت و تأخیری در عبادت تکوینی و تسخیری می‌داند. چنانکه حق تعالی فرموده است: «إِنَّ كُلَّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِي الرَّحْمَنِ عَبْدًا» (مریم، ۹۴) و همچنین: «كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ» (نور، ۴۱) و ایضاً: «إِنَّ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ» (اسری، ۴۶). بر این اساس نتیجه می‌گیرد که عکوس کفره، در مرائی و خیالات و عکوس آثارشان و اظله آنها، برای خدا راکع و ساجد اند: «أَوَّلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا خَلَقَ اللَّهُ» (نحل، ۵۰)، و در این بندگی تکوینی، راهروان شاهراه هوشمندی و معرفت، و رهسپران بیغوله بی‌خبری و غفلت، متساوی الاقدامند (همان). بدین بیان، سبزواری عبادت تکوینی ذاتی را مابه ازاء رحمت رحمانیه دانسته است: «وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ» (اعراف، ۱۵۵)، که هر مخلوقی بدون اختیار با ارکان و افعال متفاوت بدان اشتغال دارد؛ اما به دلیل عدم استشعار از لذت کامل آن محروم است (سبزواری، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۵۸۶).

۲. عبادت تکلیفی: که به نام عبادت تشریحی نیز موسوم است به آن دسته از اوامر و نواهی شرعی اطلاق می‌شود که مصلحتش دائمی است و با اختلاف زمان و مکان تغییر نمی‌کند. این عبادت، از معرفت عابد و اختیار او نشئت می‌گیرد و نشانه رحمت رحیمیه حق است. در عبادت تکلیفی است که خداوند متعال

۱. كما قال المعلم الثاني: «صَلَّتِ السَّمَاءُ بِدُورَانِهَا وَالْأَرْضُ بِرُجْحَانِهَا وَالْمَاءُ بِسِيلَانِهِ وَالْمَطَرُ بِهِ طَلَانِهِ وَقَدْ يَصَلِّي لَهُ وَلَا يَشْعُرُ وَلِذَلِكَ اللَّهُ أَكْبَرُ» سبزواری نیز مانند فیض کاشانی در توضیح عبادت تکوینی می‌گوید مواد، اوامر حق را با قبول صور مطیع‌اند (سبزواری، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۴۳۶).

۲. «أَتَمَّا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (یس، ۸۲).

کفر و ایمان عرضی را معرفی می‌کند: «فَمِنْهُمْ سَقِيٌّ وَ سَعِيدٌ» (هود، ۱۰۷؛ همان). کفر و ایمان تکلیفی، بسته به استشعار است. لذا علاوه بر اینکه مخاطب موجود ذی‌شعور است، میزان درک او از حقیقت نماز بر لذت آن می‌افزاید. سبزواری به آیه‌ای استناد فرمودند که اشاره‌ای به ادراک ندارد، بلکه به معرفت و اختیار مکلف دلالت دارد. بنابراین، می‌تواند مبین سخن حاجی باشد و استدلال وی، برای ورود به بحث بعد کافی است؛ زیرا عبادت اختیاری از روی معرفت و شکرگزاری رحمت رحیمیه است.

از منظر حکیم سبزواری نمازی که حاصل شعور و تکلیف است، به سه دلیل، بر جامعیت نماز دلالت دارد، و این امر دلالت بر برتری فریضه تشریحی بر نماز تکوینی است:

۱) رموز ارکان در نماز تشریحی، جامع نمازی است که توسط تمام موجودات اقامه می‌شود: «قیام»، اشاره به عبادت تکوینی خود انسان است که اشرف اوضاع به ازاء اشرف مخلوقات است؛ «رکوع»، اشارت به عبادت حیوانات صامته است؛ و «سجود»، اشاره به عبادت نبات است، با شاخه‌ها در ظاهر ارض، با ریشه‌ها، در باطن ارض و در بعضی گیاهان، برای سجده‌های عاشقانه بر زمین گویی با سینه بر زمین مفروشند. جلوس در «تشهد» و «سلام»، اشارت به عبادت معادن و جمادات که حرکات در آنها منقطع شده است، گویا از قوت ارادت و قلت ظرفیت غش کرده‌اند (همان، ص ۵۸۸). سبزواری جامعیت نماز را وجهی از جامعیت انسان می‌داند که هیکل توحید است و به این بهانه توانایی ادبی اش را آشکار می‌کند:

ظاهرت جزو است و باطن، کل کل خویش را قاصر مبین، در عین ذل

(همان)

۲) ممنوعیت‌هایی چون صمت از باطل، امساک از اکل و شرب و فعل منافی در حن فریضه را مانند «تخلیه» از رذایل که شرط «تخلیه» به فضایل است می‌شمارد (همان). از منظر سبزواری همان‌گونه که در این موضوع، عدمیات، منشاء وجودی دارند؛ دستور شارع برای نواهی فوق نیز به عنوان معد و رفع مانع، منشاء وجود ادراک حقیقتی در نماز است که بدون آنها نقشه سلوک نمازگزار کامل نمی‌شود.

۳) نماز تشریحی گرچه خود یکی از فروع است؛ اما در منظر حاجی سبزواری به تنهایی مشتمل بر ارکان فروع دین است:

به حسب کفّ از مفطرات هنگام نماز، اشتغال آن به «روزه»، ظاهر است؛ اما بر «زکات» نیز، به حسب قرائت: «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» (حمد، ۳)، و اینکه او مالک وجود است و به حسب قرائت به صدق: «اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» (حمد، ۵). به سبب توجه به قبله - که کعبه است - و توجه به صاحبخانه که در دل است و «دل»، عرش مجید و اورنگ سلطانی اوست، در دل عبد مؤمن است: «لَا يَسْعُنِي اَرْضِي ...» - الحدیث بر «حجّ» دلالت دارد، و اما اشتغال نماز بر «جهاد»، به سبب آن است که پیامبر (ص) فرمودند:

«رجعنا من الجهاد الاصغر الى الجهاد الاكبر» (حرّعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۱۲۲-۱۲۴).^۱

تورا با دیگران، جنگ است و دشمن در بُنِ خانه بگرد نفس خود برگرد، اگر در بند پرخاشی درک وحدت جمعیه نماز منوط به این است که با جمیع لشکریان، از جوارح و قوای روحانی و جسمانی، در کسب طهارت بدنی و روحانی، یعنی نماز «قالبی» و «قلبی»، با جنود نفوس ثلاث محاربه کرد. نتیجه اینکه نماز، در جامعیتش، جمیع عبادات، ارکان فروع دین و جامع عبادات تکوینیّه است، و از این جهت مانند «انسان کامل» نمازگزاری است که نقشه سلوکی خویش را در نماز یافته و هیكل توحید و «کل الانواع» است (همان، ص ۱۲۲-۱۲۴). درک حاجی و تعبیر فلسفی و عرفانی عمیق او هر مخاطبی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

۷. اسرار نماز

از منظر حکیم سبزواری بهترین عابد کسی است که اسرار عبادتش را می‌داند؛ زیرا با علم به اسرار عبادت، قربت به وجود مطلق و مظهریت اسم حق، محقق می‌شود. لذا، در هر باب از ابواب نماز اعم از مقدمات، مقارنات و ارکان نماز، ابتدا اشارتی بر رئوس مسائل فقهی نموده است تا وضیع و شریف بهره‌مند شوند، و از این حیث به خداوند متعال اقتباس می‌کند که فرمود: «وَاللّٰهُ يَقُوْلُ الْحَقَّ وَ هُوَ يَهْدِي السَّبِيْلَ» (احزاب، ۴) (سبزواری، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۵۶۷). معنای حق بودن قول خدا این است که او از چیزی خبر می‌دهد که واقع و حقیقت مطابق آن است و اگر حکم و فرمانی براند، آثارش بر آن مترتب می‌شود و مصلحت واقعی مطابق آن است. مفسرین گفته‌اند معنای راهنمایی‌اش به راه، این است که هر کس را هدایت کند، بر آن راه حقی و ادارش می‌کند که خیر و سعادت در آن است. از نگاه آنان این دو جمله اشاره دارد به اینکه وقتی سخن شما بیهوده و بی‌اثر است، و سخن خدا همواره با اثر و مطابق واقع است، پس سخن خود را رها نمایید و سخن او را بگیرید (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۴۱۲). غور در کلام بزرگی چون سبزواری مجالی بسیار می‌طلبد، لذا با چشم‌پوشی از رئوس مطالب به برخی از اسرار اشارت می‌شود تا بایی برای مطالعه وسیع گردد.

الف) مراعات وقت نماز

برای مراعات وقت نماز ابتدا با ذکر مثالی می‌گویید، همان‌گونه که وقت ملاقات در برابر سلطان مجازی، مراعات وعده می‌کنید و با خوف و رجا به میعادگاه می‌روید، لقاء هنگام نماز که معراج مؤمن در

۱. نک: مجلسی، بی‌تا، ج ۷۰، ۶۵، ۸۲؛ شیخ بهایی، ۱۳۸۷، ص ۵۸۱؛ شیخ صدوق، ۱۳۸۹، ص ۱۶۰.

برابر سلطان علی الاطلاق است، اشتداد بیشتری در جان نمازگزار دارد (سبزواری، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۳). وی برای هریک از اوقات سه‌گانه نماز، اسراری را بیان می‌کند که در این نوشتار به اسرار وقت نماز ظهر اشاره می‌شود.

حاجی، رسیدن شمس در وسط آسمان را برای اقامه نماز یادآور رسیدن نفس ناطقه قدسیه، بین المشرق و المغرب، وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت معرفی می‌کند. اصطلاح فوق در پانزده موضع دیگر کتاب اسرار الحکم استفاده شده و به گفته وی، توحید اکثر موحدان، وحدت در کثرت است (همان، ص ۱۸۸). بدین معنی که وقتی موجودات را عکوس اسماء و صفات واحد بدانیم، با وجود تفرق مادی در ذات احدیت، اسماء و صفات عین یکدیگرند. بنابراین، توحید واصلین، کثرت در وحدت است (همان)؛ یعنی واجب الوجود بالذات، وجودی است که همه موجودات را به نحو اتم و اَبَسَط دارد.

به نظر حاجی انسان کامل که صاحب نفس کلیه الهیه و عقل کل است، ماهیات انواع جماد، نبات و حیوان را دارد و مثال اعلائی کثرت در وحدت است، و از آنجا که کل الانواع است، وحدت در کثرت را نیز دارد (همان، ص ۳۳). موحدی که در مراتب توحید جولان دارد، زمانی وحدت را در کثرت می‌بیند و گاهی به مقام ملاحظه کثرت در وحدت نائل می‌گردد (سبزواری، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۵۳).

ب) مراعات قبله

سبزواری برای قرار گرفتن به سوی قبله و علم به آن دلالت عرفانی و عقلی می‌آورد:

۱. رمز وجوب قرار گرفتن به سوی قبله: قلب انسان کامل به اقبال الهی باقی است و از آنجا که صورت باید مطابق با معنی باشد، یکتایی معنا، یکتایی صورت را می‌طلبد و هر نمازگزاری باید در عین حال که به معنای واحد توجه دارد، به سوی کعبه که قبله واحد است بایستد (همان، ص ۵۳۴). در روایتی از امام صادق (ع)، می‌بینیم که ایشان، از توجه به قبله واحد در نماز، نتیجه اخلاقی اخذ کرده است: «فاجعل قلبک قبله للسانک لا تحرکه الا باشارة القلب»^۱ (مجلسی، بی تا، ج ۹۶، ص ۱۵۸).

۲. رمز فریضه بودن علم به قبله: علم به قبله صوری، حکایت از علم به قبله حقیقی دارد. از ضرورت معرفت‌الله، وجوب معرفت قبله ظاهری حاصل می‌شود. بدین توضیح که اساس دین و علت غایی،

۱. قلب خود را قبله زبانت قرار ده؛ جز با اشاره قلب و موافقت قلب و رضای ایمان زبان مجنبان.

معرفت الله است. این مطلب با سخن تحقیقی که اساس دین را معرفت علت فاعلی می‌شناسد منافات ندارد؛ زیرا مقصود از معرفت الهی، همانند شناخت حضوری عارف است که در معروف فانی می‌شود. نتیجه آن‌که، علت فاعلی انسان کبیر همان علت غائی اوست. به عبارت دیگر می‌توان گفت، مقصود از معرفت الهی انسان کامل دو جنبه دارد؛ به حسب وجود نفسی، به شناخت علت فاعلی و به حسب وجود باطنی به شناخت علت غایی نائل می‌گردد. از آنجا که ذات الهی بسیط است، اضافه‌ای که تحقق می‌یابد اضافه اشراقیه است (سبزواری، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۵۹۵). سبزواری در توضیح اضافه اشراقیه می‌گوید: «وجود منبسط بر کل موجودات به حسب قوایل و استعدادشان اشراق می‌کند» (سبزواری، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۱۲۰). اضافه اشراقی، اضافه یک طرفی است و مضاف‌الیه نفس اضافه است (سجادی، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۲۲۹). بدین بیان، اضافه علت به معلول، اضافه اشراقی است و در اضافه اشراقی متجلی در اعیان خود، به صرف تشن، طرف را لباس وجود می‌پوشاند (کاشانی، ۱۳۷۵، ص ۸). حاصل سخن اینکه، اضافه معرفت‌الله برای نفس، اضافه اشراقی است. به نظر می‌رسد این اصطلاح رسا نباشد که اشراق از عالی به سافل است؛ چراکه سهروردی وقتی سافل عالی را شهود می‌کند، اصطلاح «مشاهده» را به‌کار برده است که رساتر می‌باشد (سهروردی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۳۳-۱۳۴).

ج) حمد نمازگزار

هر حمدی برای خداست؛ گرچه در ظاهر برای غیر او باشد. او سرچشمه فضایل و فواضل است (سبزواری، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۵۱۶)؛ زیرا حقیقت حمد، اظهار صفات کمالیه است و خداوند متعال صاحب کلیه کمالات است؛ لذا کلیه ستایش‌ها برای اوست. او محمود بالذات است؛ زیرا مظهر کمالات و اظهار آن بر لسان، افعال و احوال موجودات، ذات الهی است.^۱ حامدیت هر حامد و محمودیت هر محمود، نوای او و هر مُنعم، گدای سرای اوست. او نوری است که وجودش ظاهر بالذات^۲، موجود بنفسه، مشیت^۳ و مظهر ماهیات است (نور، ۳۵). حیات ساری، ادراک، سمع، بصر و غیر ذلك ذات الهی است. علاوه بر این، تمام کمال، فضایل و فواضلش، حکایت از فضایل و فواضل غیب مکنون دارد. حامد بالذات،

۱. بل هو الحامد و المحمود، لآئه المظهر لکمالات نفسه، و إن أظهرها علی لسان عبده أو أفعاله أو أحواله (دوانی، ۱۳۸۱، ص ۲۰۴).

۲. أن الوجود الحقيقي هو النور الحقيقي لكونه ظاهراً بالذات مظهراً للماهیات، كما أن النور المجلی ظاهر بالذات مظهر للألوان وغيرها من المبصرات (سبزواری، ۱۳۶۰، ص ۳۸۹).

۳. «إن الله خلق الأشياء بالمشیة و المشیة بنفسها» (مجلسی، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۴۵؛ ج ۵۷، ص ۵۶).

خود را می‌ستاید و مصداق «و فوق ما حمده الحامدون انت کما اثبت علی نفسک» (مجلسی، بی‌تا، ج ۷۸، ص ۶۸؛ ج ۷۱، ص ۲۳؛ ج ۹۰، ص ۲۶۷؛ ج ۹۸، ص ۲۴۱) است؛ زیرا وجود بی‌عدم، کمال بی‌نقصان، فعلیت بی‌قوه، خیر بی‌شر، نور بی‌ظلمت و بالجمله «بسیط الحقیقه»، بی‌شوب ترکیبش بیش از هر موجود برای ذات خویش عیان است (همان، ص ۶۰۵).

در نتیجه حقّ خداوند آن است که وجود انسان «حمد» او شود؛ یعنی انسان با وجودش، صفات و افعالش، فضایل و فواضل او را شرح کند؛ زیرا انسان «شرح او» و سایر موجودات «شرح شرح» او هستند، که در نهایت به شرح واحد می‌رسند^۱ (همان، ص ۶۰۸). «نفس ناطقه»، نیز به جهت مشابهت با ذات باری تعالی عین ارادت و محبت به خود و آثار خود است؛ زیرا که خود «محبّ» و «محبوب»، و خود «محبت» و «عشق»، قائم بالذات است (همان، ص ۸۵). هنگام ادای فریضه در صورت اتحاد با حامد و محمود حقیقی و بالذات می‌تواند به نقشه کمالی خود نائل گردد. نمازگزار با معرفت تنها با همین دو کلمه (الحمدلله) از اذکار نمازش می‌تواند نقشه سلوکی خویش را تکمیل کند.

د) بلوغ زود هنگام نسوان

سبزواری ضمن شمارش علائم بلوغ، حکمت سن تکلیف دختران در سن نه سالگی را نقص عقل آنان بیان می‌کند (همان، ص ۵۳۷). برای این مطلب به بیان اسراری اکتفاء کرده و گرفتار تناقض^۲ می‌شود. دو اشکال در این مسئله به حاجی وارد است:

۱. مشتمل بر تناقض است. متناقضین عبارتند از: «عقل عملی خادم عقل نظری است و در بسیاری از امور از وی استمداد می‌جوید، بدین دلیل که درک کلیات به قدرت عقل نظری و درک امور جزئی نزد عقل عملی حاصل می‌شود تا آماده انجام عمل شود» (سبزواری، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۲۵). دختران در تکمیل عقل نظری ناتوانند، لذا با تکمیل حکمت عملی از طریق فریضه زود هنگام نماز، آن را جبران می‌کنند (سبزواری، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۵۳۷).

وجه تناقض آن است که: تکمیل عقل نظری از طریق تکمیل عقل عملی مقدور نیست؛ بلکه بر معکوس آن برهان دلالت دارد. صاحب عقل نظری فضیلتش بیشتر است، بدین دلیل که درک کلیات به قدرت عقل نظری و درک امور جزئی نزد عقل عملی حاصل می‌شود تا آماده انجام عمل شود (سجادی،

۱. «وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ» (قمر، ۵۰).

۲. وجه تناقض این است: حکمت نظری مقدم بر حکمت عملی و تکامل آن است. حکمت عملی موجب تکامل حکمت نظری است. نقص عقل نسوان با بلوغ زود هنگام آنان جبران می‌شود.

۱۳۷۳، ج ۳، ص ۱۵۹).

۲. عدم ارائه دلیل عقلی بر بلوغ نسوان. حاجی سبزواری بخش عمده اسرار الحکم را به حکمت نظری اختصاص داده است و در تحدید مرزهای حکمت، مهم‌ترین نقش را به عقل می‌دهد و تکلیف نفوس را دخول در جرگه عقل می‌داند؛ اما در بلوغ زود هنگام نسوان دلیل عقلی اقامه نکرده است.

ب) از دیگر اسرار تکلیف زودرس نسوان که حاجی بدان اشاره کرده آن است، که برخورداری زود هنگام تکلیف آنان، لطف الهی است. دلیل سبزواری آن است که تکلیف زود هنگام دختران که به خاطر لطافت جسم زودتر از رجال در طریق استکمالشان فرسوده می‌شوند را جبران می‌کند و بدین ترتیب، از لطف الهی بی‌نصیب نمی‌مانند (سبزواری، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۵۳۷).

گرچه بنا بر قاعده لطف که پیش‌تر اثبات شد، تکلیف، لطف الهی است؛ اما مطلب فوق عمومیت ندارد، و گاه عکس آن صادق است. ضمن اینکه برهان عقلی بر آن اقامه نشد. در حالی که فریضه در تسعه اجتناب‌ناپذیر است. در عین حال، تکلیف زود هنگام رجال نیز از طریق برهان فوق قابل دفاع خواهد بود.

ج) از دیگر اسرار تسعه برای نسوان آن است که مهیای «عصمت» و «عفت» شوند تا از طریق عادت به تکلیف، خود را از «نامحرم» محافظت کنند. سبزواری معتقد است، که اگر دختران دیر تکلیف می‌شدند با بی‌عفتی مزاج می‌گرفت، و عفت او سعوبت داشت. وی برای اثبات این مطلب، از تمثیلی استفاده می‌کند و بیان می‌دارد، همانطور که چوبی که بر اعواجاج بخشکد، استقامت نیابد و اگر اراده بر اصلاح آن کنی، می‌شکند، در دختران نیز بعد از مدتی امکان اصلاح نیست. از طرف دیگر، دختران زودتر به بلوغ جنسی می‌رسند و مهیای ازدواج می‌شوند، حاجی شرط توفیق زوجیت و مسئولیت را مکلف بودن زن به آداب شرعیه اعم از طهارت باطنه و ظاهره و خصال طیبه می‌داند (همان، ص ۵۳۸). گرچه زن و مرد در جامعه و خانواده نقش مهمی دارند و بر این اساس تکلیف زود هنگام پسران نیز قابل دفاع خواهد بود؛ اما این دلیل حاجی که دختران زودتر از پسران مهیای ازدواج می‌شوند، وجوب نماز بر دختران در سن نُه‌سالگی نسبت به اسرار و دلایل پیش گفته، منطقی‌تر تلقی می‌شود.

ه) جایز نبودن ایستادن زن در برابر مرد در حال نماز

سبزواری می‌گوید افراد در سیر و سلوک تکلیفی باید هم قدم باشند، در حالی که مردان و زنان نه تنها در عبادت تکلیفی، حتی در عبادت تکوینی نیز چنین نیستند. در عبادت تکوینی هریک از مردان و زنان به سه طایفه تقسیم می‌شوند و در هریک از طوایف متفاوت هستند. طایفه‌ای از مردان وجودات امکانیه‌اند (همان، ص ۵۹۸). به تعبیر صدرا، واجب الوجود بالغیرند (شیرازی، ۱۹۸۱م، ج ۱، ص ۲۸). در مقابل آنان، زنان اعیان ثابت و مهیات امکانیه‌اند (سبزواری، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۵۹۸). اعیان ثابت در لسان حاجی،

لوازم اسماء و صفات حقی و از جمله مفاهیم هستند (همان، ص ۱۰۵)، و غیر متأخر در وجودند که به عالم لاهوت تعلق دارند. در ادامه می‌گوید، در طایفه‌ای دیگر، مردان اسماء‌الله فعاله در وجودات و مریبات‌اند (همان، ص ۵۹۸)؛ یعنی در وجود و تربیت عالمیان تجلی بخش اسماء‌الله هستند (همان، ص ۲۳۰). در مقابل زنان مظاهر و مربوبات منفعل هستند، مقصود از منفعله همان‌گونه که هویدا است، حیثیت قبول است (سبزواری، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۳۰). طایفه سوم از مردان را صور و قوای فعلیه^۱ و طایفه دیگر زنان را مواد و قوای منفعله می‌داند (همان، ص ۵۹۸). در نتیجه، حاجی از معرفی طوایف سه‌گانه تبیین تقدم تکوینی زنان است، و این امر را دالّ بر این مطلب می‌داند که زنان و مردان در سیر و سلوک نمی‌توانند هم قدم باشند؛ اما همان‌گونه که گذشت، استدلال عقلی بر آن ناتمام است.

۸. نتیجه‌گیری

- ♦ درک مبانی فلسفی و مکاشفات عرفانی نماز در هر جزئی از نماز می‌تواند نمازگزار به وصال برساند.
- ♦ معنی لغوی صلوه در اندیشه سبزواری با معانی رایج بین لغویین متفاوت، و متناسب با ذوق عرفانی او مشعر به وصل است. شوق و نشاط عارف هنگام نماز، ناظر بر همین معناست.
- ♦ استدلال‌های حکیم سبزواری برای اثبات نماز، متناسب با ترسیم نقشه سلوکی نمازگزار از طریق انجام این فریضه؛ یعنی وحدت نفس ناطقه انسان، وحدت جمعیه نماز، عبادت جامعه و وحدت معبود سرچشمه می‌گیرد.
- ♦ به نظر حکیم سبزواری، نمازگزار می‌تواند از طریق تکمیل عقل نظری آماده درک عرفانی نماز و زدودن پرده‌های حجاب شود. بیان این دیدگاه متناسب با سن مخاطب تبیینی جدید از تبلیغ است.
- ♦ از منظر ملاهادی سبزواری، گرچه کلیه موجودات در عبادت تکوینی شریک هستند؛ اما عبادت تشریحی، به دلیل استشعار مکلف و درک جامعیت نماز، بر فریضه تکوینی برتری دارد.
- ♦ حاجی عبادت تکوینی را ذاتی و نماز تشریحی را عرضی یا اکتسابی معرفی می‌کند. از آنجا که تارک نماز تشریحی به لحاظ تکوینی قائم به این فریضه است؛ بنابراین، اجتماع نقیضین لازم نمی‌آید.
- ♦ به نظر حاجی، انسان کامل مثال اعلاّی کثرت در وحدت و وحدت در کثرت است. براساس این دیدگاه می‌توان از توحید موحدان معمولی به توحید واصلان رسید.

۱. منظور از صور فعلیه، پذیرش آثار و تبعات صور فعلیه نوعیه است که کمال ثانی محسوب می‌شود (سجادی، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۶۶۰).

♦ سبزواری معتقد است که صورت باید مطابق معنی باشد. از آنجا که قلب نمازگزار به سوی قبله باطنی است، لذا، مراعات قبله ظاهری واجب است. از طرف دیگر، با ضرورت شناخت قبله ظاهری، معرفت قبلی و باطنی نمازگزار را نتیجه می‌گیرد.

♦ از آنجا که حمد در برابر اظهار کمال است و مبداء هر فضل و کمال، ذات الهی است، خداوند حامد بالذات و محمود بالذات است. نمازگزار نیز با درک حمد ربوبی به این مقام که غایت آفرینش است، نائل می‌گردد.

♦ برخی از مبانی نظری و عرفانی سبزواری چون نقص تکوینی نسوان در مقابل رجال که موجب تکلیف زودرس بانوان می‌شود و جایز نبودن ایستادن زنان در برابر مردان هنگام فریضه، با مبانی فلسفی ایشان ناسازگار است.

♦ در نهایت می‌توان ادعا کرد، که بیان اسرار موجود در اسرار الحکم می‌تواند راهگشای انسان قرن حاضر برای انس با نماز باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- منابع -

قرآن کریم.

- آشتیانی، جلال‌الدین (۱۳۸۱). شرح بر زاد المسافر. قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ج ۱.
- ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۳۸۹). معانی الاخبار. مترجم: حمیدرضا شیخی. قم: ارمان طوبی.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. محقق و مصحح: گروه پژوهش آل‌البتیت. قم: موسسه آل‌البتیت (ع)، ج ۴، ۱۱.
- دوانی، جلال‌الدین (۱۳۸۱). سبع رسائل. تحقیق و تعلیق از نویسندگان. تهران: میراث مکتوب.
- سبزواری، هادی (۱۳۷۹). شرح المنظومه. تصحیح و تعلیق از: حسن حسن‌زاده آملی؛ تحقیق و تقدیم از: مسعود طالبی. تهران: ناب، ج ۳-۲.
- سبزواری، هادی (۱۳۸۳). اسرار الحكم. مقدمه از: سها صدوقی؛ تصحیح از: کریم فیضی. قم: مطبوعات دینی، ج ۱-۳.
- سبزواری، ملاهادی (۱۳۶۰). التعليقات على الشواهد الربوبية. تصحیح و تعلیق از: سید جلال‌الدین آشتیانی. مشهد: مرکز الجامعی للنشر.
- سجادی، سید جعفر (۱۳۷۳). فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملاصدرا. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۳.
- سهروردی، شهاب‌الدین (۱۳۷۲). مجموعه مصنفات شیخ اشراق. مقدمه و تصحیح: هانری کربن. تهران: نشر پژوهشگاه، ج ۲.
- شعرانی، ابوالحسن (بی‌تا). شرح فارسی تجرید الاعتقاد. تهران: انتشارات اسلامیة.
- شمس، سید محمد کاظم؛ اشرفی، عبدالهادی؛ آهنگر، جواد (۱۳۸۱). مرزبان وحی و خرد: یادنامه مرحوم علامه سید محمد حسین طباطبایی. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۹۸۱م). الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة. با حاشیه علامه طباطبائی. بیروت: دار إحياء التراث العربی، جلد ۱.
- شیرازی (ملاصدرا)، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۳). مجموعه رسائل فلسفی. زیر نظر: سید محمد خامنه‌ای، ویراستاران: مقصود محمدی و همکاران. تهران: موسسه بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ج ۱.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان. مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، ج ۱۶.
- طبری، حسن بن علی (۱۳۷۹). مناقب الظاهرین. تهران: رایزن، ج ۲.
- علم‌الهدی، مرتضی بن داعی (۱۳۶۱). نزهة الکرام و بستان العوام (در امامت و ولایت از قرن ۶ و ۷). تهران: باقر ترقی، ج ۱.
- شیخ بهایی، محمد بن حسین (۱۳۸۷). الاربعین. مترجم: محمد بن علی خاتون آبادی. تهران: حکمت.
- علم‌الهدی، مرتضی بن داعی (۱۴۱۱ق). الذخیره فی علم الکلام. تحقیق: سید احمد حسینی اشکوری. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- فیض، الکاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۳۷۵). اصول المعارف. تعلیق، تصحیح و مقدمه از: سید جلال‌الدین آشتیانی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- مازندرانی، محمد صالح بن احمد (۱۳۸۲ق). شرح الکافی - الأصول والروضة. تهران: المكتبة الاسلامیه، ج ۱۲.

مجلسی، محمدباقر (بی تا). بحار الانوار الجامعة لدرر الاخبار الائمه الاطهار. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۵۷، ۹۶، ۴.
جعفر بن محمد، امام ششم (ع) (منسوب به) (بی تا). مصباح الشریعة. مترجم: علامه حسن مصطفوی. تهران: انجمن اسلامی
حکمت و فلسفه ایران.

رادمنش، عظامحمد (۱۳۸۹). غلغل اجزای عالم بشنوید (تحلیل عارفانه نماز از دید مولوی). پژوهشنامه زبان و ادبیات
فارسی، ۲(۷).

محمدی، راحله (۱۳۹۵). فلسفه نماز. تهران: انتشارات نظری.
دلیر، بهرام (۱۴۰۲). اسرار عرفانی نماز. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی